خراسان رضوی

صفحه آخر

شنبه
۲۷ بهمن ۱۳۹۷
۱۰ جمادی الثانی ۱۴۴۰
۸ صفحه/شماره ۴۰۶۸

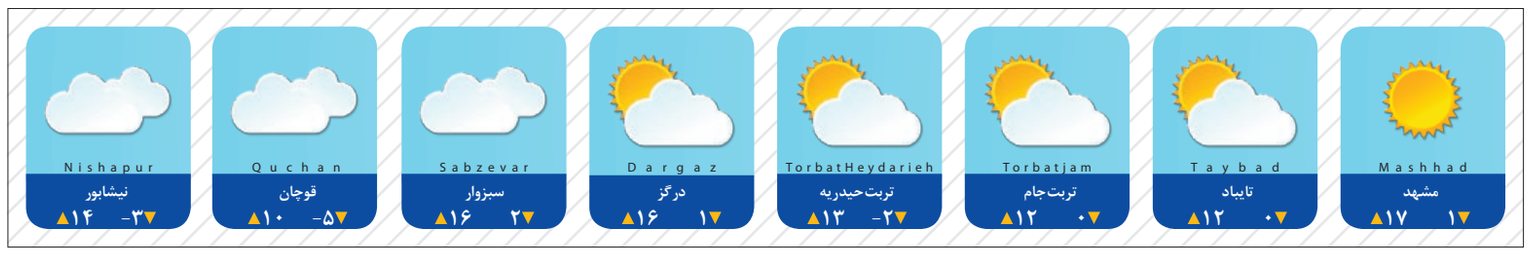

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام صادق (ع)

چون خدا خیر بنده‌ای را خواهد، او را به دنیا بی‌رغبت و به دین دانشمند کند و به عیوب دنیا بینایش سازد، و به هر که این خصلت‌ها داده شود، خیر دنیا و آخرت داده شده است.

اصول کافی، ج ۳، ص ۱۹۶

با شاعران

حافظ

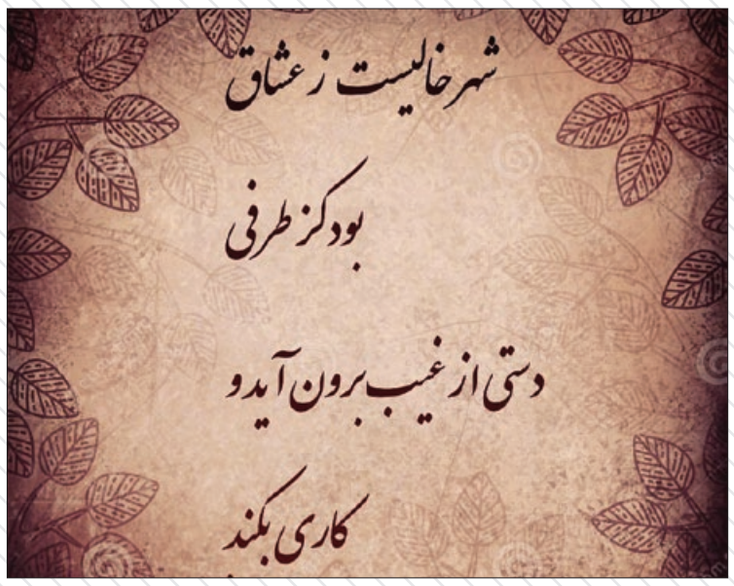

یادنامه

دکتر پوران شریعت رضوی دیروز در ۸۴ سالگی درگذشت؛ این چند خط در بزرگداشت وی و همه عاشقانه‌هایی است که واسطه او و «علی شریعتی» بود:

خداحافظ پوران جان

«...و تو شاید بدانی که سال‌هاست
چهار کلمه «آزادی»، «کتاب»، «پدر»
و «پـوران» چهار بُعـد روح و فکر من
اسـت و اکنـون کـه بـا همه عشـق و
شـوق از یکدیگـر بسـیار دور افتاده
ایم، این صفحـه را که «دنیا و عشـق
ما» نـام دارد، برای تو می فرسـتم تا
وقتی آن را می شنوی به من آن چنان
بیندیشـی کـه مـن آرزومنـدم...»
خطاب این کلمات عاشقانه، آن زنی
اسـت کـه در همـه نامه هـای «علی
شـریعتی»، ایـن طور خطاب شـده:
«پوران عزیـزم!»، زنی کـه تکه ای از
پازل شخصیتی یکی از برجسته‌ترین
متفکران معاصر ایرانی را کامل می
کرد و در همه سـال های فقـدان او،
راوی صادقـی از شـخصیت و افکار
شریعتی بود.

دیروز یک خبر کوتاه و تلخ به سرتیتر رسانه‌ها آمد: «پوران شـریعت رضوی، همسـر مرحوم دکتر علی شـریعتی در ۸۴ سالگی درگذشت.»

نـام اصلـی اش بی‌بی فاطمه بـود؛ زاده آبـان ۱۳۱۳ در مشـهد. پدر فاطمه، حاج علی اکبر، تاجری خراسـانی و مادرش پری خانم بود.

او که دیگر «پوران» صدایش می کردند، سـال ۱۳۳۴ به دانشسـرای عالی تهران رفت تا ادبیات فرانسه بخواند؛ درست ۱۴ سال بعد از آن که برادرش علی اصغر در جنگ با شوروی در آذربایجان کشته شد.

وقتی دانشکده ادبیات در مشهد راه‌اندازی شد، با اصرار پـدرش و بدون آن کـه راضی باشـد، بعد از دو مـاه به این دانشکده رفت و آن جا بود که «علی» را دید.

«علی» در ۲۳ سـالگی پوران بـه او پیشـنهاد ازدواج داد اما پیشنهادش رد شـد. پوران می گفت دلش می خواهد بـا مـردی ازدواج کنـد کـه قبـل از ازدواج، تحصیـلات دانشـگاهی اش را تمام کرده باشـد اما علی شـریعتی از همان اول مبارز بود! یک سال از او اصرار و از پوران انکار تا این که ۲۴ تیر ۱۳۳۷، پوران بر سر سفره عقد نشست و از آن روز علاوه بر «خواهر مهدی شـریعت رضوی»، شد «همسـر دکتر علی شـریعتی». پنج سـال قبل بود که در ۱۶ آذر ۳۲، «مهدی» یا همان آذر، قندچی و بزرگ‌نیا در اعتراض به سفر نیکسون به ایران در دانشگاه تهران شهید شدند و «روز دانشجو» را به یادگار گذاشتند.

«شـریعت رضوی» در همه سـال های بعد از «شـریعتی» تلاش زیادی را صرف ثبت و نشر افکار همسر خود کرد.

اما پوران و علی، صرف نظر از نگاهی که جامعه به این زن و شوهر متفکر داشت و دارد، جلوه هایی از عاشقانه های روزمره، دلتنگی های معمولی، کسـالت هـا و دلخوری های کوچک و بزرگ را نیز در زندگی خود تجربه کردند و نمود آن را می توان در کلمات و گفته هایشان دید:

علی به پوران

«پـوران جان، هنـوز من به پاریـس و چیزهای پاریسی آشـنا نیسـتم ولی فقط می دانم که لباس این جا به قدری گران اسـت که آدم دهنش وا می ماند. یک پیراهن چیت گلدار حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ تومان است.

اما پـوران جان اگر تو چیزی دوسـت داشـتی یا دیـدی به من بنویس تا علی تـو از این که برای معشـوقش، زنـش، خواهرش، مونس اش، پوران عزیزش چیزی می فرستد، لذت ببرد.

خداحافـظ پوران جان...» (برسد به دست پوران عزیزم -ص ۲۲، از نامه ششم، ۱۱ خرداد ۱۳۳۸)

امیدم! پوران جـان عزیز مهربـانِ بداخـلاقِ خوش‌قلبِ «کافرغضبِ» «مؤمن‌رضا»ی بدخرجِ خسیسِ حواس‌پرتِ جمع‌کنِ جیغ‌بنفشی‌ژو کوندْ لبخندُنه منَ شیرِ لگدزنِ صبور تندخوشِ فرشـتهْ‌دیوِ سـوهانْ‌عمرِ تسـلیتِ بخشِ دیوانهْ‌زنجیرِ خردمندِپُر «بریز و بپـاش» «جمع و جوریِ» قایم‌کُنِ گم‌کنِ پیدانکنِ بی‌نظمِ دقیقِ صدتومان‌گم‌کنِ چهارپولیِ پاک‌روخ‌پلیدِ دهنِ «مرد بیرون» «زن خانه‌ی» «همسـرخوب» «همـدم بـد» «اهورایـی ذات» «اهرمنی داد» امیدبخشِ یـأس‌آورِ پرحرفِ حرف‌نشـنوِ خون‌گرمِ پرجوش‌و‌خروشِ یخ‌کُنِ چون‌مرگ مـوش‌زودقهرِ زودآشتیِ گه‌بهشتیِ خصال‌وگه‌دوزخیِ روال‌ترش‌وشیرینِ تلخ‌انگبینِ جمع‌ضدینِ رفع‌نقیضینِ بدترینِ بدِ خوب ترین خوب «باوی‌نتوان‌زیستن» «بی‌وی‌نتوان‌بودن» روحِ مرگ‌دهنده‌ی مرگ‌روح‌دمنده‌ی رحمتِ پرزحمتِ رنج پرازلذتِ هم‌شرابِ هم‌شرنگِ هندوانه‌ی بدلرزِ اشکنه‌ی سرشکنِ خوش‌نوازش‌بدسرزنش‌جور به جور درهم‌برهم شـلوغ‌پلـوغ‌قروقاطی، عزیزی که تو را نمـی توانم تحملَ کنم و دنیا هـم بدون تو تحمل ناپذیر اسـت.» (همان، ص ۹۴، کل نامه بیست و نهم)

پوران از علی

شرایط ما سخت بود و علی اهل شوخی، من با چهار بچه مسـتاجر بودم و حقوق معلمی می گرفتیم. یک بار گفت من مـی توانم از دسـت تو شـکایت کنم، چون ۱۵ سـال امضای مـرا جعل کـردی تا در نبـودم حقـوق را بگیری. چـاره ای نداشـتم. او یا در سـفر بـود، یا در زنـدان! حالا جدای از این ها به عنوان یک همکلاسی، علی نابغه بود؛ از نظر ادبـی و از نظر علمـی. من چندین کتاب نوشـتم، ولی یک خط علـی را نمی توانم بنویسـم. زندگی همین اسـت. همیشه که شـادی و شوخی نیسـت. ما ۱۳ سال مسـتاجر بودیم. یک روز صاحبخانه آمد و گفت: اسـباب تان را می ریزم توی کوچه. من دیدم کار گر پدرم از روستا آمده، گفتم: بیا اثاث را جمع کن. خانه دیگری پیدا کردم و اسـباب بردم. حتی ۵۷ تومـان کرایه وانت را نداشـتم بدهم که شوهر خواهر شوهرم رسیدند و حساب کردند. علی شـب آمده کلید انداختـه دیده ما نیسـتیم، ما را گم کرده بود. همیشه هم نمی شـد لبخند ژکوند باشم. آمد با همان لحن مهربان گفت: خب چه کنم پوران جان، می خواهی خودم را بیندازم توی حوض؟ شـده دیگر! (عید دیدنی پیش از موعد در خانه دکتر علی شریعتی - نشریه چلچراغ - فروردین ۱۳۹۶)

***

پوران شـریعت رضوی، امانتدار خوبی برای شـخصیت، افـکار و کلمات علی شـریعتی بـود و از امروز بـه بعد باید شـریعتی را در فقدان بزرگ‌ترین و مهم‌تریـن راوی اش خواند و مرور کرد.

خط خطی

سارا صالحی

امیر غفارمنش، بازیگر سینما و تلویزیون در گفت‌وگو با «خراسان رضوی» مطرح کرد:

استفاده غیرمجاز سلبریتی‌ها از فضای مجازی

نامـش در کنـار سـتاره‌های نـام‌آشـنای کمدی کشـورمان می نشـیند، از رضـا عطاران و سـعید آقاخانی گرفته تا رضا شفیعی جم و مهران مدیری که از قضـا عمدتا بـا مجموعـه پربیننده «سـاعت خـوش» و از قـاب تلویزیـون به مخاطبـان معرفی شدند.

با این حـال، بیننـدگان و طرفدارانش هنرنمایی او را در مجموعه‌های کمدی موفـق دیگری چون سیب خنده، دنیای شـیرین، خوش نشین ها، راه در رو، چک برگشتی و این اواخر هم با دو مجموعه در دسـر برای عظیم ۱ و ۲ دیده انـد. البته خودش تاکید می کند که تعداد کارهایش در دیگر ژانرهای هنری بیش از کمدی اسـت و علاقه اش هم به این سمت و سو است.

او از جملـه هنرمندانی اسـت کـه از تاثیـر فضای مجازی بر متن تولیدات هنـری و فرهنگی نگران اسـت و تاکید می کنـد: همـان طور کـه فرهنگ اسـتفاده از بسـیاری محصـولات خارجـی وارد نشـد، فرهنـگ کاربـری فضـای مجـازی هـم نهادینه نشد. بیشـتر این فضاها دستاویزی برای سوءاستفاده‌های فردی شـده اند. این فضا خالق شبه سلبریتی هایی است که بعضا بر سلیقه های فرهنگی و هنری مردم و جامعه نیز اثر گذارند.

امیر غفارمنش، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون سفر کوتاهی به شهر مشهد داشت و همین موضوع زمینه را برای گفت‌وگو و بیان دغدغه‌های هنری و علایق ورزشی اش فراهم کرد.

ایستادن در نقطه‌ای از هنر که حق من است

از غفارمنش پیش از هر سوالی، درباره پیشنهادها و کارهای آینده اش می پرسیم. وی به چند اثر که در آینده در برنامه هـای کاری خود دارد، اشـاره می کند و می گوید: چند کار را به صورت همزمان پذیرفته ام کـه از آن جمله مجموعـه طنز «دنگ و فنگ» با جواد مزدآبادی، سینمایی «شش قهرمان و نصفی» ویـژه کـودک و نوجوان بـه کارگردانی حسـین قناعت و یک کار با علی مسعودی است. یک فیلم کوتاه دیگر نیز در حال انجام است.

به ماجرای زندگی هنری بازیگران مطرح سینما و تلویزیون که نگاهی بیندازیم، می بینیم که عمدتا با دشـواری هـا و مخالفـت های فـراوان از سـوی خانواده و جامعه روبه رو بوده اند. غفارمنش هم از این قاعده مستثنا نبوده و برای هموار کردن مسیر عشق و علاقه اش دشواری های بسیاری را تحمل کرده است. او برایمان تعریف می کند: مخالف‌ها در برابر بازیگر شدنم زیاد بود. به خصوص از طرف پدرم که فیلم سـاز بود اما بـه رغم این که دوسـت ندارم گذشته را یادآوری کنم، می خواهم مخاطبان کارهایم بدانند که اگر در این نقطه ایستاده‌ام، حقم همین است؛ نه کمتر و نه بیشتر. در صورتی که فکر کنم حقی دارم، حتما تلاش می کنم آن را بگیرم.

این هنرمند نام آشنای تلویزیون نگاهش را به حرفه بازیگری و شـرایط امروز آن، ایـن طور توضیح می دهد: برای من، بازیگری جدای از مسائل حاشیه ای نظیر شهرت و پول و درآمد، نوعی عشق است و از نفس بازیگری بیشتر لذت می برم.

وی با «سـاعت خـوش» مهـران مدیری بـه عنوان چهره تـازه بازیگـری به عرصـه هنر معرفی شـد. ولی برخلاف بسـیاری از همکارانش که سـال ها با وی همکاری داشتند، با رضا عطاران و بیشتر از دیگران با سـعید آقاخانی کار کرده است. او دلیل این تغییر مسیر را چنین بیان می کند: عمدتا نوع پیشنهادهای دوسـتان بود که تعیین کرد به کدام سمت و سو بروم و مسـیر را کجا پی بگیرم؟ اتفاقا همیشه جزو تماشاگران و طرفداران کارهای مهران مدیری هستم و احترام زیادی برای او و کارهایش قائلم چون معتقدم آدم نابغه‌ای اسـت و همیشـه خاص و غیرمنتظره عمل می کند. مدیری همواره چند کیلومتر پیشتر از تماشاگرش حرکت می کند و برای همین هر بار ابتکار تـازه ای را پیش روی او قرار می دهد.

به نظر وی، این که یک نفر بعد از ۴۰ سال به رسانه ملی می آید و از عشق می پرسد و حرف می زند، یک حرکت بزرگ فرهنگی است که به اذعان او، جایش در تلویزیون ما خالی بود و مهران مدیری با برنامه «دورهمی» خط شکن این مسیر شد. کار متفاوت رامبد جوان در «خندوانه» هم همین طور.

غفارمنـش مـی افزایـد: ایـن دو برنامـه از لحاظ اثرگذاری بر مخاطب، اتفاق بزرگ برنامه‌سـازی سـال های اخیر رسـانه ملی به حسـاب می آیند. خوشـحالم که اغلب کارهای با کیفیت سـینما و تلویزیون محصول چهـره هایی همچـون مهران مدیری، رضا عطاران و سعید آقاخانی و در مجموع تیم خـوب هنرمندان «سـاعت خوش» است.

مردم از اندیشیدن می ترسند

«بیننـدگان شـما را اغلـب بـا کارهایـی بـا درون مایـه کمدی می شناسـند. آیا این انتخاب شما بوده یا مطابق معمول، با دیده شـدن یک هنرمند در یک گونه، نوع پیشنهادها، انتخاب‌های شما را در این سـه دهه کار حرفه ای تعیین کرده‌اند؟». غفارمنش در پاسخ به این سوال، با برشمردن شماری از آثار غیر کمدی خود از جمله «سروزیر آب»، «مثل شیشه»، «پوستر»، «نفوذی»، «خودزنی»، «خون بها»، «شـکر تلـخ»، «گلریزان» و...، تاکیـد می کنـد: کارهای جدی بسـیاری را در کنار کمـدی بازی کـرده ام اما آن چـه در ذهن مردم ما باقی می ماند، آثار طنز است. دلیلش این اسـت که مردم ما حوصله اندیشیدن ندارند؛ بهتر بگویم از اندیشیدن می ترسند. بنابراین کارهای با درون مایه طنـز را ترجیح می دهند تـا نیازی به اندیشه ورزی نداشته باشند. انتخاب خودم کارهای جدی اسـت ولی بر حسـب تعدد کارهای کمدی دیده شـده، بیشـتر پیشـنهادهایم به این سـمت گرایش پیدا کرده است.

این بازیگر سـینما و تلویزیون به واسـطه سـه دهه فعالیت هنـری، حضـور کنـار بازیگران بـزرگ و کارگردان های نامی را تجربه کرده اسـت. از این بزرگان چه در زندگی و چه مسـیر شـغلی بسـیار آموختـه و بـه همین دلیـل نـام شـان در دفتر چه خاطرات ذهنش ماندگار شده است. او به برخی از آن ها اشاره ای می کند و می گوید: در طول عمر حرفه ای خودم از افراد زیادی آموخته‌ام اما مرحوم محب اهری، سـعید آقاخانـی و... جـزو بزرگانی هسـتند که در زمینه بازیگری بسـیار از آن‌ها یاد گرفته‌ام. حمید سمندریان و میکائیل شهرستانی هم حکم اسـتادی برایم دارنـد و روی من اثر گذار بوده‌اند.

تراژدی میانبر زدن به دیده شدن

بـی تردیـد او بـه واسـطه حضـور در فضـای چند رسانه ای امروز و همین طور تدریس بازیگری، هر روز با خیلی از علاقه‌مندان به عالم هنر که بیشـتر از بازیگری، در تـب و تـاب دیده شـدن هسـتند، روبـه روسـت. در بخشـی از گفت‌وگوی مـا، روی سـخن خود را ایـن جوانـان قـرار می دهـد و می گوید: «تب دیده شدن، یکی از تراژدی های امروز بازیگری ماست. اگر به کسی بگوییم از کار ریخته گری یا رشـته متالوژی چقدر می دانی، راحت به بی‌اطلاعی اعتراف می کند و به کاری که سر رشته نـدارد، ورود نمی کند اما متاسـفانه همه فکر می کنند بازیگری یعنی یک نفر راه می رود و دیالوگ می گوید، پس ما هم می توانیم. چون کسـی باور ندارد که بازیگری یک دانش است که در کنار آن نیاز به تجربه هم داریم».

وی اضافـه می کنـد: از طرفـی، با نسـلی روبه رو هسـتیم کـه دنبـال میانبُـرزدن اسـت. بـا دادن پول یا پارتی می خواهد فوتبالیسـت شـود، از هر مسیر درسـت و نادرسـتی پولدار شـود، حرکتی در اینستاگرام بزند و یک شبه مشهور شود. اگر به این شیوه فکری عمل شود، در آینده نزدیک نسل هایی که در هیچ رشته‌ای سواد ندارند، تحویل می دهیم که از پس هیچ کار درسـتی برنمـی آیند و با خلأ نیروی کارآمد روبه رو خواهیم شد. تنها راه حل این است که به فوتبال، سینما، موسیقی و... نگاه آکادمیک داشته باشیم.

چهره‌های هنری از فضای مجازی، استفاده غیرمجاز می کنند

وی یکـی از دغدغـه هـای مهـم این روزهـای هم صنفانـش را «بیـکاری» مـی دانـد و توضیـح می دهد: اکنون، معضـل بیکاری حتی دامن بازیگـران توانمنـد، باسـواد و پیش کسوت ما را هم گرفته و خانه‌نشین شده‌اند. میزان تولیدات ما پاسخ گوی نیاز ۸۰ میلیون تماشاگر نیسـت. البته معتقدم که اکنون نه تنها از بازیگـری، بلکه از هیچ هنـری حمایـت نمی شـود چون مشـکل امروز، از یک طرف نبود پول و سرمایه و نیز اسپانسـری شدن تولیدات هنری ماست.

یکـی دیگـر از مشـکلات مرتبط بـا جهـان هنر و هنرمند، حضور پررنگ برخی چهره‌های شناخته شـده و اظهار نظرهای جنجالی و حاشـیه ساز آن ها در فضای مجازی اسـت. این بازیگر بی حاشیه عرصه فرهنـگ و هنر کشـورمان در این خصوص نظرش را این طـور بیان می کنـد: معتقدم همان طور که فرهنگ اسـتفاده از بسـیاری محصولات خارجی مثل خـودرو، همزمـان با آن وارد نشـد، فرهنگ کاربری فضای مجازی هم نهادینه نشد. به جای این که این فضاها مثل یک نشریه، محلی برای بیان عقاید، ایدئولوژی یا به اشتراک گذاشتن تجربیات باشد، از آن استفاده‌های غیرمجاز و نابه جا به عمل می آید.

محبوب‌ترین ورزشکاران

با غفارمنش در بخش دیگری از این گفت‌وگو، به ویژه در خصوص عشـق و علاقه اش به دنیای توپ و تور و فوتبال می پرسیم. به خصوص آن بخش از خاطراتش که با نـام «ناصر حجـازی» گره خورده اسـت. وی درباره این اسـطوره فوتبال کشورمان می گوید: گذشته از ابعاد حرفه ای فوتبالی، ناصر خان برای من خیلی جذاب بود. وقتی شخصیتی نمی تواند دروغ بگوید، جذاب است. این مولفه را غیر از ویژگی کاریزماتیک ناصر خان می دانم. در مجموع او یکی از شـخصیت های مورد علاقه من بود و هسـت. تاکید می کنم که کاریزماتیک‌ترین و محبوب‌ترین چهره ورزشی که از دست داده‌ایم، قبل از انقلاب، جهان پهلوان تختی و بعد از انقلاب هم ناصر حجازی بود.

وی نقبی به گذشـته فوتبالی اش می زند و تعریف می کند: «در یک برهه بسـیار کوتاه با ناصر خان هم دوره و البته شـاگرد وی بودم اما آن قدر به آدم ها اعتماد می کرد که مثل یک دوست ۴۰ ساله با من درددل می کرد. به خاطر همه ابعاد شخصیتی اش، به خصوص صداقتش، مجذوب ناصر حجازی بودم. هروقت از او سوالی می کردند، عین واقعیت را می گفت و اصلا برایش مهم نبود با این حقیقت گویی ممکن است دچار مشکل شود.»

آرزوهایش بیشـتر به امور حرفه ای و صنفی تعلق دارد. غفارمنش می گوید: تعـدادی از نقش ها را دوست دارم بازی کنم که هنوز فرصت پیش نیامده اما من هم مثل هر کسـی که حـس جاه‌طلبانه‌ای برای دیده شدن توانایی هایش دارد، احساس می کنم هنوز آن طور که باید دیده نشده‌ام. ولی صبور هستم و اگر عمری باقی باشد، به لطف خدا حتما این اتفاق می افتد.

یادداشت

مسعود مهدی زاده مقدم

مدیرعامل شرکت شهرک های صنعتی خراسان رضوی

چالش ظرفیت خالی در بخش تولید و دغدغه از دست رفتن سرمایه ها

ایجاد بنگاه های جدید و رشد بنگاه های موجود دو عامل اساسی هستند که به افزایش سطح تولید در کشور منجر می شـوند اما نباید از این مهم غافل شـد کـه اگر به جای افزایش شـمار بنگاه های اقتصادی، تقویت بنگاه های موجود در دسـتور کار قرار گیرد - به ویژه که عمده آن ها اکنون با ظرفیت خالی در بخش تولید مواجه اند - نتایج بیشتری در بخش توسـعه محقق می شـود و از هدر رفت منابع و انباشت ظرفیت ها جلوگیری به عمل می آید.

اطلاعات مندرج در سـامانه آماری شرکت شهرک های صنعتی که به صورت خوداظهـاری از مدیران واحدهای صنعتی یـا در بازدیدهای میدانی کارشناسـان شـرکت جمع آوری شـده اسـت، نشـان می دهد که بیش از ۸۰ درصد واحدهای صنعتی مسـتقر در شهرک ها و نواحی صنعتی اکنون فعال هستند و خط تولید فعالی دارند.

به طور کلی با توجه به افزایش تعـداد واحدهای صنعتی در طول سنوات گذشـته و دوره های مختلف، به استناد پروانه های بهره برداری که صادر می شود، میزان تولید محصولات صنعتی نیز افزایش داشـته است اما بررسی عملکرد واحدهای صنعتی به صورت موردی نشـان می دهد در برخی موارد کاهش تولید و اندمان را شاهد بوده ایم که این کاهـش دلایل مختلفـی دارد و برخی از آن ها عبارت اند از: صدور مجوز صنعتی بیش از نیاز واقعی بازار، کاهش تقاضای بازار به دلیل تغییر ذائقه و سلیقه مشتری، اتمـام دوره عمـر محصـول و جایگزین نشـدن محصول جدید، پرداخت نشدن مطالبات صنایع توسط کارفرمایان بزرگ دولتی، اجرا نشدن یا متوقف شدن برخی از پروژه های بزرگ، فرسودگی بعضی صنایع و همگام نبودن آن ها با بازار رقابتی در بخش مصرف و... همچنین در برخی موارد تحریم های ظالمانه، منجر به دسترسـی نداشتن به مواد اولیه و بازارهای صادراتی محصولات می شود.

در مسیر اصلاح رویه های موجود و کمک به کارآمدی در بخش تولید که رقابت پذیری را در بازار مصرف به دنبال دارد، بایـد اولا بحث صدور مجوزهـای صنعتی کنترل و در بخش هایی که اشـباع داریم، ایجاد واحدهای جدید متوقف شود.

نکته دیگری که متولیان امر و دستگاه های صادرکننده مجوز در بخـش تولید باید مورد توجه قـرار دهند، صدور مجوزهای جدید با اولویت صنایع های تک و دانش بنیان و همچنین صنایع صادرات محور است؛ در غیر این صورت صدور هر مجوز بـه منزله ایجاد در صـدی ظرفیت خالی خواهد بود. علاوه بر این فرایند تولیـد بدون کارخانه نیز باید تسهیل و اجرایی شـود تا ضمن جلوگیری از سرمایه گذاری مجدد در حوزه های اشباع شده، امکان استفاده از ظرفیت های خالی صنایع موجود مهیا شود؛ به ویژه در صنعت غذا که استان مان در آن دارای مزیت است و امکان صادرات بسـیاری از محصولات آن به ویژه به کشورهای همسایه فراهم است.

چالش هـای بخش صنعت در سـال های اخیـر، بارها به طرح موضوع عارضه یابی در این حوزه منجر شده است اما باید به این نکته مهم توجه کرد که مشکلات در این بخش چنان متفاوت اسـت که طرح یـک پیشـنهاد واحد برای گره گشایی از این انبوه مشکلات، راه به جایی نمی برد.

در واقع، مشکل واحدهای صنعتی صرفا منحصر به بحث نقدینگی، تحریم ها و نوسانات در بازار مربوط نمی شود و بعضا چالش هایـا نقایصی نیز به مدیریـت این واحدها وارد است که در عمده تحلیل ها نادیده گرفته می شود.

خوشـبختانه در سـال های اخیر با توجه بـه تلاش هایی که در استان انجام شـده و مشارکت مطلوب تشکل های بخش خصوصی در پیگیری مشکلات واحدهای صنعتی، دسـتگاه های مربوط در قالب کار گروه های ذیل سـتاد تسـهیل، رفع موانع تولید، شـورای گفت وگوی دولت و بخش خصوصـی و... در جریان مشـکلات ایـن واحدها قرار گرفته انـد و تا آن جا که قوانین اجازه داده اسـت، در رفع مشکلات صنایع مذکور همکاری داشته اند. بیشتر مدیران دسـتگاه های دولتی برای حداکثر مساعدت با واحدهای صنعتی نظر مثبت دارند، ولی در مواردی نیز گلایـه های جدی از سـوی مدیـران واحدهـای صنعتی مطرح می شـود که متوجه اعمال سلیقه شخصی برخی کارکنان، تسلط نداشتن شماری از کارشناسان دستگاه های دولتـی به قوانین موجود، برداشـت هـای فردی از نص قوانیـن، آیین نامه هـا و... و حتی در مـواردی نقض قانون اسـت. در ایـن گونه مـوارد راهکارهـای بهبود در سازمان ها دیده شده اسـت و مدیران واحدهای صنعتی می توانند نقطـه نظرات خـود را از آن طریق اعلام کنند. با این حال نکته قابل تامل دیگر آن است که تکثر قوانین موجود که برای شـرایط معمـول تعریف و تصویب شـده اند (و در بسیاری از موارد از دیگر کشـورها کپی برداری صورت گرفته اسـت) در وضعیت فعلی پاسخ گو نیست و باید ضمن حذف قوانین مخل، مواردی جایگزین شـوند که فشـارهای بیرونی موجود را بر بدنه بخـش تولیدی و صنعتی کشـور، مدنظر قرار می دهند و به نوعی تسهیل گر و حمایت گر هستند.

در خواسـت و مطالبه ما در این برهه حساس، همراهی و مشارکت حداکثری دستگاه های اجرایی برای کمک به تداوم حیات در بخش تولید و صنعت است. از شورای گفت وگوی دولت و بخش خصوصی اسـتان در خواست داریم با برگزاری جلساتی، بسـتری را فراهم کند تا دستگاه ها درباره اقدامات خود برای تسـهیل محیط کسـب و کار، پاسخ گو باشند و خود برای اصلاح قوانین مخل این حوزه، پیشقدم شوند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز که همواره مساعدت مطلوبی در زمینه کمک به بخش تولید داشـته اند، می توانند با پیگیری تخصیـص بودجه برای پروژه های بزرگ اسـتانی، تاثیر به سزایی در ایجاد رونق و شکوفایی صنایع پایین دست استان بگذارند و همزمان میزان تحقق قوانینی را که قرار است در عرصه تولید گره گشا شوند، به صورت مستمر بررسی کنند.

بریده کتاب

«معمولاً وقتی کتابی را نمی فهمیم، آن را بسیار هوشـمندانه می پنداریم! به هر حال، عقاید ژرف و عمیق را نمی توان با زبان کودکان توضیح داد. با این حال، مرتبط دانستن دشوار بودن و عمیق بودن را می توان جلوه‌ای از انحراف در فضای ادبیات و نگارش دانسـت. انحرافی که در زندگی عاطفی با آن آشنایی داریم. یعنی وقتی که افراد مرموز و مبهم ساده‌تر از افراد قابل اعتماد و رو راست، می توانند ذهن انسان های ساده دل را به احترام وادارند.»

تسلی بخشی‌های فلسفه - نویسنده: آلن دو باتن